

## بررسی رابطه هوش هیجانی و هوش معنوی با خویشتن‌داری جنسی در دانشجویان مجرد

بهروز ایزدآبادی<sup>۱</sup>

### چکیده

هدف از پژوهش حاضر بررسی رابطه هوش هیجانی و هوش معنوی با خویشتن‌داری جنسی دانشجویان پسر و دختر مجرد در مقطع کارشناسی دانشگاه پیام نور اوز (لارستان) بود. این پژوهش از نوع همبستگی - توصیفی است. بدین منظور ۱۷۰ نفر از دانشجویان به روش نمونه‌گیری تصادفی انتخاب شدند و به پرسشنامه‌های هوش هیجانی (سیبیریا شترینگ، ۱۹۹۵)، هوش معنوی (بدیع و همکاران، ۱۳۸۹) و خویشتن‌داری جنسی (جعفری، ۱۳۸۶) پاسخ دادند. برای تحلیل داده‌ها از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد. نتایج نشان دادند که: عوامل خودانگیزی، خودآگاهی، خودکنترلی، هشیاری اجتماعی و مهارت‌های اجتماعی با مؤلفه‌های هوش معنوی رابطه مثبت دارند. بین عوامل خودانگیزی، خودآگاهی و خودکنترلی با پایبندی به ارزش و اصول اخلاقی از متغیر خویشتن‌داری جنسی رابطه مثبت وجود دارد. همچنین بین عوامل تفکر کلی و بعد اعتقادی و پرداختن به سجایای اخلاقی با مؤلفه‌های خویشتن‌داری جنسی رابطه مثبت و معنادار برقرار است.

واژه‌های کلیدی: هوش هیجانی، هوش معنوی، خویشتن‌داری جنسی

## مقدمه

در میان نیازهای بیولوژیک، گزینه جنسی آمیختگی عمیقی با نیازهای روانی دارد؛ به طوری که می‌توان تأثیر این خواسته را در بسیاری از ابعاد زندگی مشاهده کرد و نقش سازنده و پراهمیت و بنیادینی که در سیر به سوی سلامت و تعادل روانی می‌تواند داشته باشد، انکار ناپذیر است (مور<sup>۱</sup> و همکاران، ۲۰۰۵ به نقل از عابدینی، ۱۳۸۸). امروزه به طور قطع می‌توان گفت که میل جنسی به ورای مرزهای روان‌شناسی کشانده شده و به یک گفتمان تبدیل شده است که لزوم بررسی همه جانبه آن اجتناب ناپذیر است (دیوبند، ۱۳۸۷). بدین سان، رفتارها و تمایلات جنسی از معمول‌ترین مجهولات عام و خاص و بزرگ‌ترین تعارض بشر بوده است (اوحدی، ۱۳۸۶ به نقل از میرزایی، ۱۳۸۸). در سال‌های واپسین قرن بیستم مفهوم جدید و کاربردی از معنویت به نام هوش معنوی<sup>۲</sup> بر آورد. هوش معنوی در برگیرنده مجموعه‌ای از توانایی‌ها و ظرفیت‌هایی می‌باشد که از منابع معنوی در جهت افزایش بهزیستی و انطباق‌پذیری فرد استفاده می‌کند (سیسک<sup>۳</sup>، ۲۰۰۸ به نقل از عابدینی، ۱۳۸۸). در تعریف‌های موجود بر نقش آن در حل مسائل وجودی و یافتن معنا و هدف در اعمال و رویدادهای زندگی روزمره تأکید شده است (ناسل<sup>۴</sup>، ۲۰۰۴؛ کینگ<sup>۵</sup>، ۲۰۰۷؛ سیسک، ۲۰۰۸ به نقل از عابدینی، ۱۳۸۸). از این منظر ارتقا هوش معنوی با افزایش بهزیستی از جمله بهزیستی ذهنی و خویشتن‌داری جنسی در رابطه است. علاوه بر هوش معنوی یکی دیگر از مفاهیم هوش که به عنوان جدیدترین تحول در زمینه فهم رابطه تعقل و هیجان است و از آن به عنوان ماشه چکان یک انقلاب بزرگ در زمینه ارتقای بهداشت روانی یاد می‌شود، مفهوم هوش هیجانی<sup>۶</sup> است. هوش هیجانی نوعی پردازش عاطفی است که شامل ارزیابی صحیح عواطف خود و دیگران و بیان مناسب عواطف و تنظیم سازگاران آنها می‌باشد؛ به نحوی که به بهبود جریان زندگی منجر می‌شود (نادری، ۱۳۸۹). نظریه پردازان هوش هیجانی بر این باورند که بین هوش هیجانی و قدرت مقابله با موقعیت‌های مخاطره‌آمیز رابطه مثبت وجود دارد (سالوی<sup>۷</sup>، بدل<sup>۸</sup>، دیتویلر و مایر<sup>۹</sup>، ۲۰۰۰) و بالا بودن هوش هیجانی را به عنوان یک عامل محافظت‌کننده<sup>۱۰</sup> مطرح نموده‌اند (سالوی و همکاران، ۲۰۰۰). بر اساس برخی مطالعات، مؤلفه‌های هوش هیجانی پیش‌بینی‌کننده عمده‌ای برای شاخص‌های بهزیستی روانی از جمله رضایت از زندگی و عملکرد بین‌فردی محسوب می‌شوند (اکسترمر و فرناندز<sup>۱۱</sup>، ۲۰۰۵). درک اینکه چه مسائلی سبب ایجاد انگیزه در افراد برای انجام یا پرهیز از ارتباط جنسی می‌شوند به مراقبین سلامتی این امکان را می‌دهد که اقدامات مؤثری را در این زمینه به کار گیرند (اریک<sup>۱۲</sup> و همکاران، ۲۰۰۷؛ به نقل از بهرامی، ۱۳۹۱). بی‌شک یکی از مباحث مهم و سرنوشت‌ساز در زمینه مسائل جنسی و آسیب‌شناسی آن، بحث کنترل و خویشتن‌داری جنسی<sup>۱۳</sup> است که به ویژه در چند سال اخیر

1. Moore
2. Spiritual Intelligence
3. Sisk
4. Nasel
5. King
6. Emotional Intelligence
7. Salovey
8. Bedell
9. Detweiller & Mayer
10. Protective Factor
11. Extremera & Fernandez
12. Eric
13. Sexual abstinence

روان‌شناسان را به خود مشغول داشته است؛ از سوی دیگر اهمیت معنویت و رشد معنوی در انسان در چند دهه اخیر به صورتی روز افزون توجه روان‌شناسان و متخصصان بهداشت روانی را به خود جلب کرده است (جعفری، ۱۳۸۶). خویشتن‌داری جنسی، به تعویق انداختن ارضای میل جنسی تا زمان ازدواج است که با پاکدامنی قبل از ازدواج رابطه دارد (کربی، ۲۰۰۲؛ به نقل از استرانچ<sup>۱</sup>، ۲۰۰۵). تحقیقات بسیاری نقش عوامل معنوی و مذهبی در کاهش رفتارهای جنسی غیر خویشتن‌دارانه را نشان داده‌اند (چایلدز<sup>۲</sup>، ۲۰۰۷). در این میان اهمیت مؤلفه‌ی هوش هیجانی نیز به عنوان یک تسهیل‌کننده در نیل به این مهم انکارناپذیر است. مایر و سالووی (۲۰۰۰) اظهار داشتند، کسانی که از هوش هیجانی برخوردارند، می‌توانند عواطف خود و دیگران را کنترل کرده، بین پیامدهای مثبت و منفی عواطف تمایز گذارند و از اطلاعات عاطفی برای راهنمایی فرایند تفکر و اقدام‌های شخصی استفاده کنند. روان‌شناسان - به ویژه آنان که در موضوع تحول و رشد آدمی کار کرده‌اند - از اصطلاح مهار خود یا تسلط نفس برای نشان دادن توان تنظیم رفتار و جلوگیری از انجام بعضی کارهایی که مایل به آنها هستیم بهره می‌برند (فلاول، ۱۹۸۹؛ به نقل از میرزایی، ۱۳۸۸). با این وجود اگر توانایی بهره گرفتن از عواطف و احساسات و منابع معنوی را به عنوان یک هوش قلمداد کنیم، پس این توانایی بایستی در حل مسائل زندگی و رسیدن افراد به اهداف کمک نماید و منجر به سازگاری بهتر آنان گردد. عابدینی (۱۳۸۸) در پژوهشی با هدف بررسی اثربخشی آموزش مؤلفه‌های هوش معنوی بر خویشتن‌داری جنسی دانشجویان پسر، نشان داد که آموزش مؤلفه‌های هوش معنوی باعث افزایش خویشتن‌داری جنسی دانشجویان پسر دانشگاه‌های تهران می‌شود. نتایج پژوهش میرزایی (۱۳۸۸) به منظور تعیین اثربخشی آموزش جنسی بر افزایش خویشتن‌داری جنسی دانشجویان دختر، نشان‌دهنده تأثیرگذاری آموزش جنسی بر افزایش خویشتن‌داری در افکار و خویشتن‌داری در رابطه با غیرهمجنس بود. نادری و همکاران (۱۳۸۹) در پژوهشی با هدف بررسی ارتباط هوش معنوی و هوش هیجانی بر رضایت از زندگی سالمندان نشان دادند، متغیرهای هوش معنوی و هوش هیجانی پیش‌بینی‌کننده رضایت از زندگی هستند. شهرابی و فرحبخش (۱۳۹۱) در بررسی رابطه بین هوش معنوی و هوش هیجانی دانش‌آموزان دختر، به این نتایج رسیدند که بین هوش معنوی و مؤلفه‌های هوش هیجانی "خودآگاهی، همدلی، خودانگیزی و مهارت‌های اجتماعی" رابطه معناداری وجود دارد. رقیبی و قره‌چاهی (۱۳۹۲) در بررسی رابطه بین هوش هیجانی و هوش معنوی در زنان و مردان در شرف طلاق و سازگار نشان دادند که بین هوش هیجانی و هوش معنوی در زوج‌های سازگار و در شرف طلاق، رابطه معناداری وجود دارد. بخشایش (۱۳۹۳) در پژوهش خود با عنوان پیش‌بینی رضایت زناشویی بر اساس هوش هیجانی و هوش معنوی، نشان داد که هوش معنوی و هوش هیجانی با رضایت زناشویی رابطه مثبت دارند و هوش هیجانی بیشتر از هوش معنوی می‌تواند رضایت زناشویی را پیش‌بینی کند. مطالعات تامپسون<sup>۳</sup> (۲۰۰۲)، اوسوالد<sup>۴</sup> (۲۰۰۴)، وان لیوین و کاسولر<sup>۵</sup> (۲۰۰۴)، الکینز و کاوندش<sup>۶</sup> (۲۰۰۴) و موسسه آگاهی سنجی پرودیو (۲۰۰۵) نشان می‌دهد که بین هوش معنوی، هوش هیجانی، صلاحیت‌های شخصی و سلامت ذهن، همبستگی بالایی وجود دارد. تحقیقات آنها نشانگر آن است که هوش معنوی به رشد، غنا و تقویت هوش هیجانی کمک می‌کند و همچنین هوش هیجانی، یاری‌دهنده فرد به یک هوش معنوی بالا

1. Kirby
2. Stranch
3. Childs
4. Thampson
5. Oswald
6. Van leeuwen&Cusveller
7. Elkins & Cavendish

است (به نقل از فرامرزی، ۱۳۸۸). افراد با هوش هیجانی بالا، دید مثبتی نسبت به زندگی دارند، نسبت به دیگران خوشبین‌ترند و رضایت بیشتری را گزارش می‌دهند (مایر، سالووی و کارسو، ۲۰۰۰). روزنائو و تان<sup>۱</sup> (۲۰۰۲) در تحقیق خود نشان دادند افرادی که باورها و ارزش‌های قوی دارند، در برابر رفتارهای جنسی پرخطر مقاوم‌ترند. انگلبرگ و سجویرگ<sup>۲</sup> (۲۰۰۴) پیرامون رابطه هوش هیجانی با سازگاری اجتماعی، نشان دادند که در موقعیت‌های اجتماعی، پایین بودن هوش هیجانی به عنوان یک عامل مخاطره‌آمیز عمل می‌کند. ترینیداد<sup>۳</sup> و همکارانش (۲۰۰۲، ۲۰۰۴) نشان دادند که بین هوش هیجانی و خطر اعتیاد به الکل، مواد مخدر و سیگار رابطه وجود دارد و افزایش هوش هیجانی یک عامل محافظت‌کننده در برابر این خطرات است. رایس<sup>۴</sup> (۲۰۰۵) با مقایسه نوجوانانی که رابطه جنسی را تجربه کرده بودند با آن دسته که تجربه نداشتند، دریافت که خویشتن‌داری با پیشرفت تحصیلی، دینداری، عزت نفس و سلامت جسمانی به طور معنا داری همبستگی مثبت دارد. کلند<sup>۵</sup> (۲۰۰۶) تحقیقی با عنوان ارتباط بین خویشتن‌داری جنسی با رفتارهای سالم مثبت را انجام داده است که در آن افراد با افزایش سن به خصوص بیشتر از ۳۰ سال، خویشتن‌داری جنسی شان افزایش می‌یابد، همچنین با افزایش سطح تحصیلات نیز خویشتن‌داری افزایش می‌یابد. گیور<sup>۶</sup> (۲۰۰۷) به مقایسه بین دو روش آموزشی پرداخت، این دو روش عبارت بودند از: آموزش مسائل جنسی به نوجوانان و آموزش خویشتن‌داری به نوجوانان. نتایج این تحقیق که در سطح وسیعی از دبیرستان‌های آمریکا انجام شده است، نشان داد که آموزش خویشتن‌داری جنسی به نوجوانان باعث کاهش ایدز و همچنین پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان شده است. چایلدز (۲۰۰۷) در تحقیق خود به این نتیجه رسید که معنویت یکی از مهم‌ترین عوامل مؤثر در خویشتن‌داری جنسی دختران آمریکایی آفریقایی تبار است. پژوهش کیامرثی و ابوالقاسمی (۲۰۱۰) نشان داد که هوش معنوی با کیفیت زندگی در نمونه‌ای از بیماران که دارای سندرم روده تحریک‌پذیر بودند رابطه‌ی مثبت و معنا داری دارد؛ همچنین پژوهش شیبانی و همکاران (۲۰۱۰) نشان داد که هوش معنوی و هوش هیجانی با شاخص‌های بهزیستی روانی ارتباط مثبت دارد. یانکر، شنابلروچ و دهان<sup>۷</sup> (۲۰۱۲) در یک بررسی فراتحلیلی به تأثیر مثبت دینداری و معنویت بر پیامدهای روانشناختی دست یافتند. اگر چه در پژوهش‌های انجام شده قبلی اهمیت تأثیر متغیرها بر یکدیگر مشهود است؛ ولی این امر بدیهی است که شناخت هر چه بیشتر نسبت به علل و عوامل گوناگون تأثیر گذار بر متغیرهای مورد بحث، می‌تواند هم در اقدامات پیشگیرانه و هم در ارتقا سطح کیفی متغیرها حائز اهمیت باشد. بنابراین بررسی رابطه‌ی بین متغیرهای مربوطه و ابعاد آن، هدف کلی این پژوهش است.

### فرضیه‌های پژوهش

بین ابعاد هوش هیجانی و ابعاد هوش معنوی رابطه معنا دار وجود دارد.  
 بین ابعاد هوش هیجانی و ابعاد خویشتن‌داری جنسی رابطه معنا دار وجود دارد.

1. Caruso
2. Rosenau & Tan
3. Englberg & sjoberg
4. Trinidad
5. Rice
6. Cleland
7. Giever
8. Yonker, Schnabelrauch & Dehaan

بین ابعاد هوش معنوی و ابعاد خویشتن‌داری جنسی رابطه معنا دار وجود دارد.

### روش

باتوجه به ماهیت طرح، پژوهش حاضر مبتنی بر مطالعه توصیفی - همبستگی است. وبه دنبال بررسی رابطه هوش هیجانی و هوش معنوی با خویشتن‌داری جنسی دانشجویان می‌باشد. جامعه تعریف شده در این پژوهش، تمامی دانشجویان مجرد دانشگاه پیام‌نور اوز (لارستان) بودند که ۱۷۰ نفر از آنها براساس نمونه‌گیری تصادفی ساده در این پژوهش شرکت داشتند. بدین منظور با مراجعه به بخش آموزش دانشگاه لیستی از دانشجویان مجرد در حال تحصیل تهیه و به صورت تصادفی از میان آنها ۱۷۰ نفر انتخاب شدند که از این میان ۸۵ نفر را خانم‌ها و ۸۵ نفر را آقایان تشکیل می‌دادند. به منظور جمع‌آوری داده‌ها، ضمن هماهنگی‌های لازم با دانشگاه و با مساعدت دانشجویان روانشناسی مرکز، پرسشنامه‌ها به صورت انفرادی و با ارائه توضیحات لازم تکمیل و نتایج حاصله با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون محاسبه و تجزیه و تحلیل گردید. در این پژوهش از سه پرسشنامه استفاده شد:

پرسشنامه هوش معنوی

در این پژوهش برای ارزیابی هوش معنوی از پرسشنامه هوش معنوی که در سال ۱۳۸۹ توسط بدیع و همکارانش ارائه گردیده، استفاده شده است. این پرسشنامه شامل ۴۲ سؤال در ۴ خرده‌مقیاس پنج‌درجه‌ای می‌باشد. ۱۲ سؤال مربوط به تفکر کلی و بعد اعتقادی، ۱۵ سؤال مربوط به توانایی مقابله و تعامل با مشکلات، ۸ سؤال مربوط به پرداختن به سجایای اخلاقی و ۷ سؤال در زمینه خودآگاهی و عشق و علاقه است که با (کاملاً مخالفم تا کاملاً موافقم) مشخص شده و به ترتیب از ۱ تا ۵ نمره گذاری شده‌اند. بدیع و همکاران (۱۳۸۹) برای تعیین روایی این پرسشنامه از تحلیل عاملی با روش تحلیل مؤلفه‌های اصلی با چرخش واریماکس استفاده کرده و جهت محاسبه پایایی آن از دو روش آلفای کرونباخ و تنصیف استفاده نموده‌اند که مقدار آن برای کل پرسشنامه به ترتیب برابر ۰/۸۵ و ۰/۷۸ به دست آمده است. همچنین ابراهیمی‌کوه‌بنانی (۱۳۹۰) پایایی این پرسشنامه را به روش آلفای کرونباخ برای کل آزمون ۰/۶۹ گزارش کرده است. پایایی این پرسشنامه در پژوهش حاضر به روش آلفای کرونباخ ۰/۸۷ به دست آمد.

### پرسشنامه هوش هیجانی

در این پژوهش از آزمون هوش هیجانی سیبری شرینگ<sup>۱</sup> (۱۹۹۵) استفاده شده است. این پرسشنامه دارای ۵ زیرمقیاس است؛ خودانگیزی ۷ سؤال، خودآگاهی ۸ سؤال، خودکنترلی ۷ سؤال، هوشیاری اجتماعی یا همدلی ۶ سؤال و مهارت اجتماعی ۵ سؤال و در کل ۳۳ سؤال می‌باشد. هر آزمودنی ۶ نمره جداگانه دریافت می‌کند که ۵ نمره آن مربوط به هر کدام از مؤلفه‌ها و یک نمره ی کل هوش هیجانی می‌باشد. پاسخ‌ها به صورت ۵ درجه‌ای و ترتیبی است (اسدی، ۱۳۸۲). منصور (۱۳۸۰) میزان همسانی درونی آزمون را به روش آلفای کرونباخ ۰/۸۵ به دست آورد. همچنین اسدی (۱۳۸۲) میزان همسانی درونی آزمون را به روش آلفای کرونباخ ۰/۸۴ به دست آورد. در پژوهش احیاء‌کننده و همکاران (۱۳۹۱) ضریب پایایی این پرسشنامه با استفاده از روش آلفای کرونباخ و تنصیف به ترتیب ۰/۷۸ و ۰/۷۴ به دست آمده است. در پژوهش حاضر، پایایی این آزمون به روش آلفای کرونباخ ۰/۸۸ به دست آمد.

## پرسشنامه خویشتن‌داری جنسی

در این پژوهش از پرسشنامه ۴۴ سؤالی خویشتن‌داری جنسی جعفری (۱۳۸۶) استفاده شد که سطح خویشتن‌داری جنسی افراد را می‌سنجد. این آزمون ۵ عامل خویشتن‌داری در اعمال، خویشتن‌داری در افکار، خویشتن‌داری در صحبت، خویشتن‌داری در رابطه با غیر همجنس و پایبندی به ارزش و اصول اخلاقی را مورد سنجش قرار می‌دهد. در تفسیر نتایج نیز باید توجه داشت که همیشه نمره‌های بالا بیانگر سطح خویشتن‌داری شدید و نمره‌های پایین نشانگر سطح خویشتن‌داری خفیف می‌باشند. این پرسشنامه نقطه برش ندارد و هر چه نمره آزمودنی به نمره ۲۰ متمایل باشد، سطح خویشتن‌داری فرد بالاتر است. پایایی این پرسشنامه در سال ۱۳۸۶ توسط جعفری اندازه‌گیری شد؛ ضریب پایایی این پرسشنامه به روش آلفای کرونباخ ۰/۹۳ بود. همچنین به منظور بررسی روایی ساختاری پرسشنامه از روش تحلیل عاملی استفاده شد. بدین منظور ابتدا مؤلفه‌های اولیه در اجرای تحلیل عاملی اعم از کفایت حجم نمونه و معناداری ماتریس همبستگی با استفاده از شاخص Kmo و آزمون کرویت بارلت بررسی شد، Kmo محاسبه شده ۰/۶۳ بود. همچنین مجذور K محاسبه شده در سطح اطمینان ۰/۹۹ معنادار بود (عابدینی، ۱۳۸۹). پایایی این آزمون در پژوهش حاضر به روش آلفای کرونباخ ۰/۸۷ به دست آمد.

## یافته‌های پژوهش

فرضیه ۱- بین ابعاد هوش هیجانی و ابعاد هوش معنوی رابطه معنا دار وجود دارد.

## جدول ۱ - همبستگی بین ابعاد هوش هیجانی و ابعاد هوش معنوی

مهارت‌های اجتماعی	هشیاری اجتماعی	خود کنترلی	خود آگاهی	خود انگیزی	هوش هیجانی هوش معنوی
۰/۳۰**	۰/۳۸**	۰/۳۰**	۰/۵۲**	۰/۳۸**	تفکر کلی و بعد اعتقادی
۰/۴۵**	۰/۵۷**	۰/۷۲**	۰/۶۹**	۰/۶۸**	توانایی مقابله و تعامل با مشکل
۰/۱۰	۰/۱۳	۰/۲۴	۰/۳۳**	۰/۱۶*	پرداختن به سجایای اخلاقی
۰/۲۴**	۰/۲۵**	۰/۳۵**	۰/۵۳**	۰/۴۷**	خود آگاهی و عشق و علاقه

(\*\* در سطح ۰/۰۱ معنی دار است) \* در سطح ۰/۰۵ معنی دار است

همان‌طور که در جدول ۱ مشاهده می‌شود، ضریب همبستگی بین خودانگیزی با تفکر کلی و بعد اعتقادی، توانایی مقابله و تعامل با مشکل و خودآگاهی و عشق و علاقه به ترتیب برابر ۰/۳۸، ۰/۶۸ و ۰/۴۲ معنی دار می‌باشد ( $P < 0/01$ ). و ضریب همبستگی بین خودانگیزی با پرداختن به سجایای اخلاقی برابر با ۰/۱۶ معنی دار است ( $P < 0/05$ ). همچنین ضریب همبستگی بین خودآگاهی با تفکر کلی، توانایی مقابله با مشکل، پرداختن به سجایای اخلاقی و خودآگاهی و عشق و علاقه به ترتیب برابر ۰/۵۲، ۰/۶۹، ۰/۳۳ و ۰/۵۳ معنی دار می‌باشد ( $P < 0/01$ ). ضریب همبستگی بین خودکنترلی با تفکر کلی، توانایی مقابله با مشکل و خودآگاهی و عشق و علاقه به ترتیب برابر ۰/۳۰، ۰/۷۲ و ۰/۳۵ معنی دار می‌باشد ( $P < 0/01$ ). بین خودکنترلی با پرداختن به سجایای اخلاقی رابطه معناداری وجود نداشت. ضریب همبستگی بین هشیاری اجتماعی با تفکر کلی، توانایی مقابله با مشکل و خودآگاهی و عشق و علاقه به ترتیب برابر با ۰/۳۸، ۰/۵۷ و ۰/۲۵ معنی دار می‌باشد ( $P < 0/01$ ). بین هشیاری اجتماعی با پرداختن به سجایای اخلاقی رابطه معناداری وجود نداشت. ضریب همبستگی بین مهارت‌های اجتماعی با تفکر کلی، توانایی مقابله با مشکل

و خودآگاهی و عشق و علاقه به ترتیب برابر با  $0/30$ ،  $0/45$  و  $0/24$  معنی دار می‌باشد ( $P < 0/01$ ). بین مهارت‌های اجتماعی با پرداختن به سجایای اخلاقی رابطه معناداری وجود نداشت. فرضیه ۲- بین ابعاد هوش هیجانی و ابعاد خویشتن داری جنسی رابطه معنا دار وجود دارد.

### جدول ۲- همبستگی بین ابعاد هوش هیجانی و ابعاد خویشتن داری جنسی

خودآگاهی خود آگاهی خودکنترلی	هشیاری اجتماعی	مهارت‌های اجتماعی	خویشتن داری جنسی	هوش هیجانی
0/10	0/12	0/12	0/11	0/03
0/10	0/12	0/05	0/07	0/01
0/08	0/12	0/09	0/05	0/06
0/02	0/07	0/08	0/15	0/21
0/17*	0/21**	0/16*	0/15	0/05

(\*\* در سطح  $0/01$  معنی دار است) \* در سطح  $0/05$  معنی دار است)

همان‌طور که در جدول ۲ مشاهده می‌شود، ضریب همبستگی بین خودآگاهی با پایبندی به ارزش و اصول اخلاقی برابر با  $0/17$  معنی دار می‌باشد ( $P < 0/05$ ). بین خودآگاهی با سایر ابعاد خویشتن داری جنسی رابطه معناداری وجود نداشت. ضریب همبستگی بین خودآگاهی با پایبندی به ارزش و اصول اخلاقی برابر با  $0/21$  معنی دار می‌باشد ( $P < 0/01$ ). بین خودآگاهی با سایر ابعاد خویشتن داری جنسی رابطه معناداری وجود نداشت. ضریب همبستگی بین خودکنترلی با پایبندی به ارزش و اصول اخلاقی برابر با  $0/16$  معنی دار می‌باشد ( $P < 0/05$ ). بین خودکنترلی با سایر ابعاد خویشتن داری جنسی رابطه معناداری وجود نداشت. و همچنین بین سایر ابعاد هوش هیجانی با خویشتن داری جنسی رابطه معناداری وجود نداشت.

فرضیه ۳- بین ابعاد هوش معنوی و ابعاد خویشتن داری جنسی رابطه معنا دار وجود دارد.

### جدول ۳- همبستگی بین ابعاد هوش معنوی و ابعاد خویشتن داری جنسی

تفکر کلی و بعد اعتقادی	توانایی مقابله و تعامل با مشکل	پرداختن به سجایای اخلاقی	خود آگاهی و عشق و علاقه	خویشتن داری جنسی	هوش معنوی
0/25**	0/12	0/16*	0/02	0/12	خویشتن داری در اعمال
0/24**	0/13	0/15*	0/06	0/13	خویشتن داری در افکار
0/20*	0/01	0/08	0/10	0/10	خویشتن داری در صحبت
0/14	0/05	0/03	0/07	0/07	خویشتن داری در رابطه با غیر همجنس
0/37**	0/11	0/18*	0/09	0/09	پایبندی به ارزش و اصول اخلاقی

(\*\* در سطح  $0/01$  معنی دار است) \* در سطح  $0/05$  معنی دار است)

همان‌طور که در جدول ۳ مشاهده می‌شود، ضریب همبستگی بین تفکر کلی و بعد اعتقادی با خویشتن داری در اعمال، خویشتن داری در افکار و پایبندی به ارزش و اصول اخلاقی به ترتیب برابر با  $0/25$ ،  $0/24$  و  $0/37$  معنی دار می‌باشد ( $P < 0/01$ ). همچنین ضریب همبستگی بین تفکر کلی و بعد اعتقادی با خویشتن داری در صحبت برابر با  $0/20$  معنی دار است ( $P < 0/05$ ). بین تفکر کلی و بعد اعتقادی با خویشتن داری

در رابطه با غیر همجنس رابطه معناداری وجود نداشت. ضریب همبستگی بین پرداختن به سجایای اخلاقی با خویشتن داری در اعمال، خویشتن داری در افکار و پایبندی به ارزش و اصول اخلاقی به ترتیب برابر ۰/۱۶، ۰/۱۵ و ۰/۱۸ معنی دار می‌باشد ( $P < ۰/۰۵$ ). بین پرداختن به سجایای اخلاقی با سایر ابعاد خویشتن داری جنسی رابطه معناداری وجود نداشت. همچنین بین سایر ابعاد هوش معنوی با خویشتن داری جنسی رابطه معناداری وجود نداشت.

### بحث و نتیجه‌گیری

در مورد فرضیه اول، ضریب همبستگی بین خودآنگیزی و خودآگاهی با مؤلفه‌های هوش معنوی (تفکر کلی و بعد اعتقادی، توانایی مقابله و تعامل با مشکل، پرداختن به سجایای اخلاقی و خودآگاهی و عشق و علاقه) معنی دار می‌باشد. همچنین ضریب همبستگی بین خودکنترلی، هشیاری اجتماعی و مهارت‌های اجتماعی با مؤلفه‌های هوش معنوی به جز پرداختن به سجایای اخلاقی معنی دار است. این نتایج به دست آمده با نتایج پژوهش‌های (نادری و همکاران، ۱۳۸۹؛ شهرابی و فرحبخش، ۱۳۹۱؛ رقیبی و قره‌چاهی، ۱۳۹۲؛ روس، ۱۹۹۴؛ مایر و همکاران، ۲۰۰۰؛ تامپسون، ۲۰۰۲؛ اوسوالد، ۲۰۰۴؛ وان لیوین و کاسوله، ۲۰۰۴؛ الکینز و کاوندش، ۲۰۰۴؛ انگلبرگ و سجویرگ، ۲۰۰۴؛ مؤسسه آگاهی سنجی پرودیو، ۲۰۰۵؛ کیامرثی و ابوالقاسمی، ۲۰۱۰ و شیپانی و همکاران، ۲۰۱۰) همخوانی دارد. در تبیین رابطه بین خودآنگیزی با مؤلفه‌های هوش معنوی می‌توان اینچنین استنباط کرد که برخورداری از یک گرایش معنوی به زندگی، از رفتارهای ناسازگار و نامطلوب مثل رفتارهای مخرب شخصی و اجتماعی جلوگیری می‌کند؛ زیرا گرایش به مفاهیم بنیادین زندگی باعث یکپارچگی شخصیت و هدفمندی در زندگی می‌شود. در واقع هوش معنوی انعطاف رفتار و هیجانات فرد را باعث می‌شود. همچنین در پی نتیجه به دست آمده از رابطه بین خودآگاهی با مؤلفه‌های هوش معنوی می‌توان گفت: فردی که از خودآگاهی بالایی برخوردار است یا به عبارت دیگر، از توانایی تشخیص افکار، باورها، هیجان‌ها، صفات شخصیتی، ارزش‌های شخصیتی، عادت‌ها، سوگیری‌ها، توانمندی‌ها، ضعف‌ها و نیازهای روان‌شناختی که رفتار آدمی را برمی‌انگیزاند، آگاهی دارد می‌تواند توانایی به کارگیری منابع معنوی و ارزش‌ها و چگونگی ابراز هیجان‌هایش در برقراری رابطه با دیگران در جهت بهبود زندگی روزانه را داشته باشد و به طور مؤثرتری عمل کند. وجود رابطه مثبت بین خودکنترلی با مؤلفه‌های هوش معنوی، اینگونه قابل تبیین است: افرادی که در خودکنترلی نمره بالایی می‌گیرند، در واقع افرادی هستند که حالات درونی، محرک‌ها، توانایی‌ها و احساسات خود را مدیریت می‌کنند و مسؤلیت پذیری بالایی دارند و می‌توانند از بروز حالات و محرک‌های مخمل جلوگیری کنند و احتمالاً از هوش معنوی بیشتری برخوردارند. در تبیین رابطه بین هشیاری اجتماعی (همدلی) با مؤلفه‌های هوش معنوی باید گفت: هشیاری اجتماعی، مؤلفه توانایی شخص در تشخیص هیجان‌ها و عواطف دیگران است. افراد همدل با سرنخ‌های ظریف اجتماعی و تعامل‌هایی که بیانگر نیاز و خواسته‌های دیگران باشد، مأنوس و آشنا هستند. این توانایی علاوه بر اینکه افراد را در برقراری رابطه و تعامل مؤثر با دیگران یاری می‌کند، نتیجه دیگری در پی دارد که عبارت است از دستیابی آسان‌تر و بهتر به منابع حمایت اجتماعی که خود نقش بسیار مهمی در حفاظت افراد در برابر مشکلات ایجاد می‌کند. مؤلفه بعدی مهارت اجتماعی است، یعنی کنترل هیجان‌ها به شیوه‌ای مناسب که پس از خودآگاهی ایجاد می‌شود. این مؤلفه به منظور ایجاد و حفظ روابط اثربخش با دیگران حیاتی است و با جنبه‌های ذاتی رهبری و روابط میان فردی موزون و منظم ارتباطی تنگاتنگ دارد. بدین جهت رابطه مثبت بین مهارت اجتماعی با مؤلفه‌های هوش معنوی اینگونه قابل تبیین است: افرادی که از مهارت‌های اجتماعی بالاتری برخوردارند به دلیل پویایی روابط خود با دیگران و انعطاف پذیری بیشتر



در تعامل با مشکلات به دیدگاه عمیق‌تری نسبت به زندگی دست می‌یابند و از هوش معنوی فراتری برخوردار خواهند بود. یکی از اثرات عمده هوش معنوی در رابطه با زندگی این است، افرادی که درگیر در رفتارها و تمرینات معنوی هستند، تمایل به حمایت اجتماعی بیشتری دارند که حاصل آن افزایش عزت نفس، سلامت روانشناختی، تسلط بر محیط از طریق ایمان، اعتقادات و رابطه با خدا است (پرستلی، ۲۰۰۴). در مورد فرضیه دوم، ضریب همبستگی بین خودانگیزی، خودآگاهی و خودکنترلی با پایبندی به ارزش و اصول اخلاقی از متغیر خویش‌داری جنسی معنی‌دار می‌باشد. این نتایج به دست آمده با نتایج پژوهش‌های (بخشایش، ۱۳۹۳؛ مایر و سالووی، ۲۰۰۰؛ مایر و سالووی و کارسو، ۲۰۰۰ و انگلبرگ و سجویرگ، ۲۰۰۴) همخوانی دارد. در تبیین این نتایج می‌توان گفت: تحولات عظیمی که در حوزه هوش و هیجان رخ داده، بر ارتباط نزدیک و درهم تنیده این دو تأکید می‌نماید. هوش هیجانی، توانایی اداره مطلوب خلق و خوی، وضع روانی، کنترل تکانه‌ها و عاملی است که هنگام شکست ناشی از دست نیافتن به هدف، در شخص انگیزه و امید ایجاد می‌کند. افرادی که مهارت هیجانی دارند در هر حیطة از زندگی متمایزند، در زندگی خود خرسند و کارآمدند و عادات فکری در اختیار دارند که موجب می‌گردد مولد و کارا باشند. برخی مطالعات، مؤلفه‌های هوش هیجانی را یک پیش‌بین عمده برای شاخص‌های بهزیستی روانی از جمله رضایت از زندگی و عملکرد بین فردی محسوب می‌کنند. در مورد فرضیه سوم، ضریب همبستگی بین تفکر کلی و بعد اعتقادی با مؤلفه‌های خویش‌داری در اعمال، خویش‌داری در افکار، خویش‌داری در صحبت و پایبندی به ارزش و اصول اخلاقی، معنی‌دار می‌باشد. همچنین ضریب همبستگی بین پرداختن به سجایای اخلاقی با مؤلفه‌های خویش‌داری در اعمال، خویش‌داری در افکار و پایبندی به ارزش و اصول اخلاقی، معنی‌دار است. این نتایج به دست آمده با نتایج پژوهش‌های (عابدینی، ۱۳۸۸؛ میرزائی، ۱۳۸۸؛ روزنائو و تان، ۲۰۰۲؛ رایس، ۲۰۰۵؛ گیور، ۲۰۰۷؛ چاپلندز، ۲۰۰۷ و یانکر، شنابلروچ و دهان، ۲۰۱۲) همخوان است. در تبیین این یافته‌ها می‌توان بیان کرد که هوش معنوی به ما اجازه می‌دهد تا آنجا که ممکن است موقعیت را تغییر دهیم و یا بهتر مدیریت کنیم. وقتی می‌گوییم هوش معنوی، یعنی هوشی که مشکلات معنایی و ارزشی ما را حل کند؛ هوشی که اعمال و زندگی ما را در یک سطح وسیع‌تر و قدرتمند معنا می‌دهد. رشد هوش معنوی اجازه می‌دهد که بینش جدیدی درباره خود و افزایش اعتماد به نفس به دست بیآوریم. هوش معنوی کمک می‌کند خود باثباتی داشته باشیم و نگرانی‌ها و اضطراب‌ها را کاهش دهیم و می‌توان به طور عمیق‌تر با دیگران ارتباط برقرار کرد (کینگ، ۲۰۰۸). افراد با نمره هوش معنوی بالا از حد جسم و ماده فراتر رفته، حالات اوج هشیاری را تجربه می‌کنند و از منابع معنوی برای حل مسائل استفاده می‌کنند. بر اساس تحقیقات هولدر و دیگران (۲۰۰۰) معنویت یک عامل محافظت‌کننده برای مقاومت در برابر رفتارهای پرخطر و تسلیم شدن به فشارهای منفی جنس مخالف می‌باشد. اما از محدودیت‌های این پژوهش، زیاد بودن شمار پرسش‌های پرسشنامه‌ها به طولانی شدن زمان اجرای آن انجامید که می‌توانست بر میزان دقت پاسخ‌های شرکت‌کنندگان اثر بگذارد. سوگیری ذهنی آزمودنی‌ها جهت تکمیل پرسشنامه‌ها، به خصوص پرسشنامه خویش‌داری جنسی از دیگر محدودیت‌های تأثیرگذار بر نتایج پژوهش بود. بر اساس نظریه‌های یادگیری اجتماعی، رفتارهای الگو تأثیر مهمی در یادگیری افراد دارد؛ و از آنجا که هوش معنوی و هیجانی تحت تأثیر آموزش قابل ارتقا و تغییر می‌باشد، توجه به آموزش مهارت‌هایی که تأثیر مثبت بر این ویژگی‌ها داشته باشد، می‌تواند در سطوح دبیرستان و دانشگاه در زمینه پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی مورد نظر قرار گیرد. لازمه عملی این سیستم آن است که مهارت‌های

1. Priestly
2. Holder

فردی، هیجانی و اجتماعی به عنوان قسمتی از برنامه جامع و مداوم آموزشی در نظر گرفته شود، درست همانند مهارت‌های دیگر. بنا بر یافته‌های به دست آمده از این پژوهش و سایر پژوهش‌های همسو با این یافته‌ها، می‌توان پیدایش سازه هوش معنوی را به عنوان کاربرد ظرفیت‌ها و منابع معنوی در زمینه‌ها و موقعیت‌های عملی در نظر گرفت. با این وجود و با توجه به ارتباط سازه هوش معنوی با مفاهیم وجودی همچون مسئولیت، آزادی، تنهایی و بی‌معنایی و پوچی می‌توان با به کارگیری کارگروه‌های آموزشی و درمانی با رویکرد وجودی، ضمن ارتقا کیفی این سازه (هوش معنوی) چشم انداز متفاوتی به روی افراد گشود.

### منابع

- ابراهیمی کوه بنانی، شهین. (۱۳۹۰). رابطه هوش هیجانی و هوش معنوی با رضایت از زندگی در دانش آموزان تیزهوش دختر. پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی قاینات.
- احیا کننده، منیژه، شفیق آبادی، عبدالله، سودانی، منصور. (۱۳۸۸). رابطه هوش هیجانی و سلامت روانی دانشجویان دختر رشته مشاوره دانشگاه آزاد اسلامی بهبهان، دانش و پژوهش در روانشناسی کاربردی، شماره چهل و یک، صفحه ۱۶-۱.
- اسدی، جوانشیر. (۱۳۸۲). رابطه بین هوش هیجانی، فرسودگی شغلی و سلامت روان کارکنان شرکت ایران خودرو. پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه علامه طباطبایی.
- بخشایش، علیرضا. (۱۳۹۳). پیش بینی رضایت زناشویی بر اساس هوش هیجانی و هوش معنوی زوجین، فصلنامه علمی پژوهشی زن و جامعه، سال پنجم، شماره دوم.
- بدیع، علی، سواری، الهام، باقری دشت بزرگ، نجمه، لطیفی زادگان، وحیده. (۱۳۸۹). ساخت و اعتباریابی پرسشنامه هوش معنوی.
- بهرامی، نسیم، سیمبر، معصومه، سلیمانی، محمد علی. (۱۳۹۱). چالش‌های بهداشت جنسی نوجوانان در ایران، مجله دانشکده بهداشت و انستیتو تحقیقات بهداشتی، دوره دهم، شماره چهار، صفحه ۱۶-۱.
- پارسا، نیره. (۱۳۸۳). هوش هیجانی. تهران: چاپ سوم، انتشارات رشد.
- جعفری، الهه. (۱۳۸۶). ساخت مقیاس خویشتن داری جنسی و هنجاریابی آن در بین دانشجویان علامه طباطبایی. پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه علامه طباطبایی.
- جوکار، بهرام. (۱۳۸۶). نقش واسطه‌ای تابآوری در رابطه بین هوش هیجانی و هوش عمومی بارضایت از زندگی، فصلنامه روانشناسی معاصر، دوره دوم، شماره چهار، صفحه ۱۲-۳.
- دیوبند، ساره. (۱۳۸۷). بررسی اثربخشی آموزش مهارت برقراری رابطه جنسی بر میزان رضایت زناشویی نوجوانان تحت پوشش کمیته امداد شهر بابل. پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه علامه طباطبایی.
- رقیبی، مهوش، قره چاهی، مریم. (۱۳۹۲). بررسی رابطه بین هوش هیجانی و هوش معنوی در زنان و مردان در شرف طلاق سازگار، فصلنامه علمی- پژوهشی زن و جامعه، سال چهارم، شماره یک.
- شهرابی فراهانی، لیلا، فرحبخش، کیومرث. (۱۳۹۱). بررسی رابطه بین هوش معنوی و هوش هیجانی دانش آموزان دختر منطقه ۱۵ آموزش و پرورش شهر تهران، دوفصلنامه مدیریت و برنامه ریزی در نظام‌های آموزشی، دوره ۵، شماره ۸، صفحه ۴۰-۴۴.
- عابدینی، نصیر. (۱۳۸۸). اثربخشی آموزش مؤلفه‌های هوش معنوی بر افزایش خویشتن داری جنسی دانشجویان پسر دانشگاه‌های تهران. پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه علامه طباطبایی.
- عبدالله زاده، حسن. (۱۳۸۶). ساخت مقیاس هوش معنوی در دانشجویان دانشگاه پیام نور.

فرامرزی، سالار، همایی، رضا، سلطان حسینی، محمد. (۱۳۸۸). بررسی رابطه هوش معنوی و هوش هیجانی دانشجویان دوفصلنامه علمی - تخصصی مطالعات اسلام و روانشناسی، سال سوم، شماره ۵، صفحه ۲۳-۷.

کشاوری، سمیه، یوسفی، فریده. (۱۳۹۱). رابطه بین هوش عاطفی، هوش معنوی و تاب آوری، مجله روانشناسی، سال شانزدهم، شماره ۳، صفحه ۳۱۸-۲۹۹.

منصوری، بهزاد. (۱۳۸۰). هنجاریابی پرسشنامه هوش هیجانی سیبریاشرینگ‌دربین دانشجویان کارشناسی ارشد

دانشگاه‌های تهران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه علامه طباطبایی.

میرزایی، سودابه. (۱۳۸۸). بررسی اثربخشی آموزش جنسی بر افزایش خویشتن داری جنسی دانشجویان مقطع کارشناسی (دختر). پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه علامه طباطبایی.

نادری، فرح، عسکری، پرویز، روشنی، خدیجه، مهری آدریانی، مریم. (۱۳۸۹). رابطه هوش معنوی و هوش هیجانی با رضایت از زندگی سالمندان، مجله یافته‌های نو در روانشناسی.

Cleland, J, Ali, M,M,(2006). Sexual abstinence, contraception, and condom use by young African women, *Journal of Sexual Health* , 61, 738-751.

Childs, G. (2007) *Psychosocial factors that influence, abstinence and sexual activity among African American adolescent girls*. University of South Carolina. Unpublished Thesis.

Elkins, M. & R. Cavendish (2004), "Developing a plan for pediatric spiritual care", *Holistic Nursing Practice* 18 (4), pp.179-186.

Englberg, E., & Sjoberg, L. (2004). Emotional Intelligence, affect intensity, and social Adjustment. *Personality and Individual Differences*, 37, 533-542.

Eric, R., Buhi, E. R. and Goodson, P.,(2007). Predictors of adolescent sexual behavior and Intention: A theory-guided systematic review. *Journal of Adolescent Health*. 40(1), 421.

Extremera, N., & Fernandez, P. (2005). Perceived emotional Intelligence and life satisfaction: Predictive and incremental validity using the trait meta- mood scale. *Personality and Individual Differences*, 39, 937-948.

Giever, D, (2007). Abstinence and safer sex HIV risk- reduction intervention for African American adolescent's. *Journal of Counseling and Clinical Psychology*, 63. 221-237.

Holder, D. W., et al. (2000). The association between adolescent spirituality and voluntary sexual activity. *Journal of Adolescent Health*, 26(4), 295-302.

Kiamarsi. A. Abolghasemi. A. (2010). "Emotional intelligence and frustration: predictors of quality of life in patients with irritable bowel syndrome". *Procedia Social and Behavioral Sciences* 5, 827-831

King, D. B. (2008). Rethinking claims of spiritual intelligence: A definition, model, and measure. A dissertation presented in partial fulfillment of the requirements for the degree of Master of Science, Peterborough, Ontario, Canada.

Kirby, D. (2002). The impact of schools and school programs upon adolescent sexual. *Journal of sexual health* , 54 , 857-869.

Mayer, J. D.; R. D. Caruso & S. peter. (2000), "Emotional Intelligence meet traditional Standards for an Intelligence", *Emotional Intelligence*, 27, pp.267-298.

Mayer, J. D., Salovey, P., & Caruso, D. R. (2000) Emotional intelligence as zeitgeist. as personality, and as a mental ability. In R, Bar-on., & J. D. A, Parker. *The handbook of emotional intelligence: theory, development, assessment, and application at home, school, and in the work place* (pp.92-117). San Francisco: Jossey-Bass.

Oswald, K. D. (2004), Nurses' perceptions of spirituality and spiritual care and emotional Intelligence, Unpublished Doctoral Dissertation, Drake University, Des Moines, IA, US.

- Prestley, J. (2004). *Spiritual education: Cultural, religious and social differences: New perspective for the 21 century*. Brighton and Portland: OR Rogers, pp. 184-194.
- Rice, D., Delgiene, M. (2005). Abstinence – only education policies and programs. *Journal of sexual health*, 54, 857- 869.
- Rosenau, D. E., & Tan, E. S. N. (2002). single and sexual: the churches neglected dilemma. *Journal of Psychology and Theology*, 30 (3), p.185 – 194.
- Salovey, P., Bedell, B. T., Detweiler, J. B. & Mayer, G. D. (2000). *Coping Intelligently: Emotional intelligence and the coping process*. In C. R. (Eds.), *Coping: The psychology of what works* (pp. 141-164). New York: Oxford University press.
- Shabani, J., Aishah Hassan, S., Ahmad, A., Baba, M. (2010). “Age as Moderated Influence on the Link of Spiritual and Emotional Intelligence with Mental Health in High School Students”, *Journal of American Science*, 6,(۱۱)
- Stranch, M. (2005). A comparative study on the short-term effects of an abstinence until marriage and a comprehensive sex education curriculum on sexual behaviors and knowledge of adolescents from a Denver public high school. published master of public Health thesis, university of Northern Colorado.
- Thompson, I. (2002), "Thompson, Mental health and spiritual care", *nursing Standard: Official Newspaper of the Royal College of Nursing* 17 (9), pp.33-38. View Record in Scopus | Cited By in Scopus. (۹)
- Trinidad, R. D. & Johnson, C. (2002). The association between emotional intelligence and early Adolescent tobacco and alcohol use. *Personality and Individual Differences*, 32, 95-105.
- Van Leeuwen, R. & B. Cusveller (2004), "Nursing competencies for spiritual care", *Journal of Advanced Nursing* 48 (3), pp.234-246.
- Yonker, J.E., Schnabelrauch, C.H.A., & Dehaan, L.G. (2012). The relationship between Spirituality and religiosity on psychological outcomes in adolescents and emerging adults: A meta-analytic review. *Journal of Adolescence*, 35, 299-314.